

مجاز و حقیقت

معنی و کاربرد این دو لفظ
در ادبیات، در قرون مختلف
از: دکتر سید محمد رادمنش

مقدمه گوئیم: غالب الفاظ، در یک زبان، به همان معنی محدود و ابتدائی خود باقی نمی‌مانند، بلکه در طی زمانها با پیشرفت و توسعه علوم از معنی و کاربرد نخستین خارج می‌شوند، و با محفوظ ماندن معنی اصلی، به معانی وسیعتر و وجوه دیگری بکار می‌روند. این امر در اصطلاحات و کاربردهای علوم و ادبیات بیشتر مشهود است. از جمله کلماتی که در طی قرون، در ادبیات و کتب لغت، معانی و کاربردهای گوناگونی یافته است کلمه مجاز [مقابل حقیقت] است.

مجاز در قدیمترین کتابهای لغت، بعنوان مصدر فعل (جاز یجوژ) به معنی: پیمودن، قطع طریق نمودن، و نیز به معنی: موضع و منبع بکار رفته است. چنانکه گفته می‌شود: جَزَتْ الطَّرِيقَ (مجازاً و جوازاً): راه را پیمودم.

در مقایسه اللغه^۱ در ماده (جوز) برای آن، دو معنی ذکر نموده است: ۱ - قطع کردن چیزی. ۲ - وسط شیء: جَزَتْ المَوْضِعَ، وَأَجَزْتُه: آن مکان را پشت سر گذاشتم و از آنجا گذشتم.

در صحاح اللغه^۲، غیر از همان معنی یاد شده در بالا، اضافه شده است که: تَجَوَّزَ فِي كَلَامِهِ أَيْ تَكَلَّمَ بِالْمَجَازِ. اصطلاح تَجَوَّزَ فِي كَلَامِهِ را به معنی: در سخن خود مجاز بکار برد، آورده است و بهمین گونه «لسان العرب^۳» تاج العروس^۴، از کتابهای معجمی است که لفظ مجاز را بشکل اصطلاحی آن آورده و ذیل ریشه (جوز) از طریق معنی کلمه

۱. از ابن فارس (م ۳۹۵ هـ)

۲. از جوهری (م ۳۹۸ هـ)، ج ۱ - ص ۸۶۷ ج ۱ - ص ۴۹۴

۳. از ابن منظور (م ۷۱۱ هـ) ج ۵ - ص ۳۲۸

۴. از زبیدی (م ۱۲۰۵ هـ) ج ۴ - ص ۱۹ و ج ۱ - ص ۸

حقیقت، معنی مجاز را ذکر نموده است. او نیز در مقدمه تألیف خود ضمن مطالبی مقدماتی بحثی از مجاز و حقیقت به میان آورده، و در باب قرینه مجاز و علاقات مجاز که از اصطلاحات علوم بلاغی و ادبی است نکاتی مهم را یاد آور شده است. و عقاید کسانی را که منکر مجاز می‌باشند، با پاسخهای دیگران نقل کرده است.

باید گفت که لفظ مجاز را، بصورت اصطلاح علم بلاغت و ادب، نخستین بار عالم علوم قرآنی معروف به: ابو عبید مَعْمَر بن مُثَنَّى^۱، در کتاب خود «مَجَاز القرآن» بکار برد. بدین جهت بعضی معتقد شدند که مقصود ابو عبید از لفظ (مجاز) معنی بلاغی آن که در مقابل حقیقت بکار می‌رود بوده است و لذا تألیف او را نخستین تحقیق علمی در بلاغت بشمار آورده‌اند.

در این کتاب، مجاز بمعنی: روش بیان و تعبیر و تفسیر آمده است. یعنی معنایی گسترده‌تر و عامتر از معنی بلاغی آن. ابو عبیده، در مقدمه کتاب خود گفته است که: برای پیشینیان که در روزگار وحی بسر می‌بردند چندان نیازی احساس نمی‌شد که در فهم معانی آیات، از رسول اکرم (ص) سؤال کنند. زیرا زبان آنان، همان زبان قرآن بود، و همین امر آنان را از تحقیق در باب معنی دقیق بعض کلمات در قرآن، و توجه به وجوه معانی مختلف یک کلمه بی‌نیاز می‌ساخت. اینک نمونه‌هایی از کاربرد لفظ مذکور را در این کتاب پیش چشم می‌داریم تا حقیقت مطلب روشنتر گردد:

۱ - در مجاز آیه دهم از سوره بقره چنین آورده است: عَذَابُ الیَمِّ اِی مُوجِعٍ مِّنَ الالَمِّ وَ هُوَ فِی مَوْضِعٍ مُّفْعِلٍ. قَالَ ذُو الِرِّمَّةِ:

وَ تَرْفَعُ فِی صَدُورِ شَمْرِ ذَلَاتٍ یَصْکُ وَ جَوَهَهَا وَ هِجَّ الیَمِّ^۲.

۲ - در باب مجاز، در آیه سوم از سوره مائده آورده است که: وَ مَا اَهْلٌ لِغَیْرِ اللّهِ بِهٖ مَجَازَهٗ: وَ مَا اَهْلٌ بِهٖ لِغَیْرِ اللّهِ. مَعْنَاهُ: وَ مَا ذُکِرَ غَیْرُ اسْمِ اللّهِ عَلَیْهِ اِذَا ذُبِحَ وَ نَحِرُوهُنَّ مِّنْ اسْتِهْلَالِ الْکَلَامِ. (یعنی: آنچه از مواشی که هنگام ذبحشان یا وقتی که آنها را نحر می‌کنند، در شروع ذبح و افتتاح کلام، نام غیر خدا بر آنها برده شود).

۳ - در باب آیه صد و یازدهم از سوره انعام: وَ حَشْرُنَا عَلَیْهِمْ کُلُّ شَیْءٍ قُبْلًا. مجاز حَشْرُنَا: سُقْنَا وَ جَمَعْنَا؛ قُبْلًا: جمع قبیل قبیل، ای صنف صنف. (معنی مجاز حَشْرُنَا این

است که: سوق خواهیم داد آنان را، آنان را به جلو خواهیم راند، آنان را بصورت گروه گروه و صنف صنف جمع خواهیم نمود).

۴ - در باب آیه هیجدهم از سوره ابراهیم: وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ^۱ ... مجازه: مَثَلُ أَعْمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ كَمَثَلِ رَمَادٍ ...؛ و تصدیق ذلك مِنْ آيَةِ أُخْرَى: الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ^۲ مجازه: أَحْسَنَ خَلْقَ كُلِّ شَيْءٍ.

حاصل سخن این که: کلمه (مجاز) در کتاب مجازات القرآن ابو عبیده با معنی تفسیر و تأویل الفاظ آیات قرآن بکار رفته است، و این معنی اعم است از آنکه بگوئیم: «لفظ، از باب مجاز در غیر معنی حقیقی خود بکار می رود». بلکه باید بگوئیم که مجاز در نظر ابو عبیده با معنی «وجوه» که اصطلاح معمول در علوم قرآنی است شباهت و نزدیکی بسیار دارد. و می دانیم که مراد از «وجوه» در مورد کلمات قرآن، مستعمل فیہ کلمه است. یعنی کلمه‌ای که در ضمن استعمال، انصراف به یک معنی پیدا کند اعم از آنکه این معنی، معنی حقیقی باشد، یا مجازی، یا استعاری و یا کنایی، و همچنین بصورت اشتراک لفظی باشد یا اشتراک معنوی^۳.

ظاهراً نخستین محقق که لفظ «مجاز» را در مقابل حقیقت، [یعنی استعمال لفظ در غیر معنی حقیقی خود] بکار برد ابو عثمان، جا خط بصری^۴ بوده است. با این فرض، او در باب بلاغت حقیقت و مجاز، از این جهت پیشرو دیگران بشمار می آید، بویژه آنکه دربارهٔ علاقات مجاز مطالبی را طرح نموده است.

جا خط در کتاب (الحيوان) مبحثی را بعنوان: بَابُ آخِرٍ فِي الْمَجَازِ وَالتَّشْبِيهِ بِالْأَكْلِ، و مبحثی دیگر را بعنوان: مَجَازٌ فِي الدُّوْقِ، باز نموده و شواهدی از قرآن را نیز آورده است. چنانکه در مورد مجاز و تشبیه به «آكل» گفته است: وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا^۵. و قوله عَزَّوَجَلَّ: أَكَالُونَ السُّحْتِ^۶، و قد يُقَالُ لَهُمْ ذَلِكَ وَإِنْ

۱. ابراهیم / ۱۸

۲. سجده / ۷

۳. الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج ۱ - ص ۱۴۱

۴. (م ۲۵۵ هـ) وجوه القرآن، ابوالفضل حبیبش تفسیری.

۵. نساء / ۱۰

۶. مائده / ۴۲

شَرِبُوا بِبَيْتِكَ الْأَمْوَالِ الْأَنْبَذَةَ وَ لَبَسُوا الْحُلَّ وَ رَكِبُوا الدَّوَابَّ لَمْ يُنْفِقُوا مِنْهَا دَرهماً وَاحِداً فِي سَبِيلِ الْأَكْلِ، وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَاراً»، وَ هَذَا مَجَازٌ آخَرٌ.^۲

جا خط در جای دیگر از همین کتاب گوید: الفاظ زبان عرب دارای مواضع و دلالات مختلف است، و کسی که به این دلالات و معانی شناخت ندارد در تأویل آیات الهی و سنت پیامبر گرامی و در شواهد و امثال این زبان به گمراهی خواهد افتاد.^۳

پس از جا خط، شاگردش «ابن قتیبه» در کتاب «تأویل مشکل القرآن» لفظ مجاز را معنی گسترده‌ای کرده و بر اقسام فنون و روشهای بلاغی اطلاق نموده است و چنین گفته است: «و للعرب مجازات الکلام و معناها طرق القول و مأخذه، نفيها... که اینها عبارتند از: استعاره، تمثیل، قلب، تقدیم، تأخیر، حذف، تکرار، اختفاء، اظهار، تعریض، افصاح، کنایه و ایضاح و...»^۴

در بعضی موارد نیز کلمه مجاز در کلام ابن قتیبه به معنی: دلالت لفظ بر غیر معنی وضعی - در مقابل حقیقت - بکار رفته است و در این کاربرد گاهی هم لفظ استعاره را معادل آن استعمال نموده است و اضافه کرده است که: زبانهای غیر عرب پذیرش و اتساع زبان عرب را در معانی مجازی ندارند. لذا قرآن کریم آنگونه که کتب آسمانی دیگر به زبانهای دیگر ترجمه شدند قابل ترجمه به زبان دیگر نیست.

بعد از ابن قتیبه پژوهشگران و دانشمندان دیگری هم در باب مجاز و حقیقت و استعاره وارد شده‌اند. از آن جمله: ابن معتر^۵، قاضی علی بن عبدالعزیز جرجانی^۶، علی عیسی زَمَّانِی^۷، احمد بن فارس^۸، ابو هلال عسکری^۹، قاضی ابوبکر

۱. نساء / ۱۰

۲. الحیوان، ج ۵ - ص ۲۵

۳. همان مأخذ، ج ۱ - ص ۱۵۳

۴. تأویل مشکل القرآن، ۲۱ و ۲۲

۵. (م ۲۹۶ هـ)

۶. (م ۳۶۶ هـ)

۷. (م ۳۸۶ هـ)

۸. (م ۳۹۵ هـ)

۹. (م ۳۹۵ هـ)

باقلاسی^۱، شریف رضی^۲ و ابن رشیق قیروانی^۳.

همه دانشمندان، همانند ابن قتیبه، بین مجاز و استعاره فرقی قائل نشده‌اند. تعریف آنان از استعاره که تقریباً عبارت است از: نقل لفظ به وجهی غیر ما وُضِعَ لَهُ، تمام اقسام مجاز را در بر می‌گیرد^۴.

از میان این دانشمندان تنها کسی که تألیف مستقلی در باب مجاز و استعاره نمود شریف رضی رضوان الله علیه بود. او در دو کتاب خود: «تلخیص البیان فی مجازات القرآن» و «المجازات النبویة» این موضوع را بر آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) تطبیق کرده است. امتیاز این دو تألیف آن است که مصنف آن دارای هدف و مقصود خاص و واحدی است که در کتب مشابه آن این امر ملحوظ نبوده است. همچنین جنبه تازه بلاغی و بیانی، این دو کتاب را دارای ارزش و اهمیت خاصی نموده است. اینک نمونه‌هایی از آن:

۱ - قوله سبحانه و تعالی: و قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و استوت علی الجودی^۵. در این آیه استعاره است زیرا امر کردن و خطاب نمودن اختصاص به ذوی العقول دارد و زمین و آسمان از ذوی العقول نمی‌باشند و لذا از باب حقیقت نمی‌توانند مورد خطاب و امر واقع شوند. بنابراین از باب مجاز مورد خطاب قرار گرفته‌اند، و مراد از آیه اعلام قدرت عظیم خداوندی و سرعت اجرای فرمان و اراده اوست. چنانکه این معنی را در آیه دیگر ملاحظه می‌نمائیم: اِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَیْءٍ اِذَا اَرَدْنَاهُ اَنْ نَقُولَ لَهُ کُنْ فَيَكُونُ^۶.

در آیه مورد بحث نکته لطیف دیگری وجود دارد. بدین بیان که جمله: یا ارض ابلعی ماءک، بلیغتر از آن است که گفته شود: اذهب ماءک. و یا گفته شود: اشرب ماءک. از آن جهت که در تعبیر (بلعیدن) نشان و خصوصیت سرعت کار و امثال امر وجود دارد

۱. (م ۴۰۳ یا ۴۰۴ هـ)

۲. (م ۴۰۶ هـ)

۳. (م ۴۵۶ هـ)

۴. المجاز فی البلاغة العربیة، مهدی صالح السامرانی

۵. هود / ۴۴

۶. نحل / ۴۰

در حالی که لفظهای دیگر این معنی و ویژگی را دارا نیستند.^۱ می‌توانیم بگوئیم در متنهایی که زمانهایی قبل از تعریف و تحدید اصطلاحات بلاغی، از قبیل: مجاز، حقیقت، استعاره و... تدوین یافته است این اصطلاحات بیشتر با مفهوم لغوی خود و گاهی بجای یکدیگر بکار رفته‌اند. در عبارات دیگری از کتاب تلخیص البیان این نحو استعمال بوضوح ملاحظه می‌شود.^۲

شیخ عبدالقاهر جرجانی، به لحاظ تألیف مستقلی در علم بیان یعنی کتاب «اسرار البلاغة» مؤسس این علم در ادب عربی بشمار آمده است. او مجاز را این چنین تعریف می‌کند: هر کلمه‌ای که از آن معنایی غیر از معنایی که اهل لغت برای آن وضع کرده‌اند اراده شود - بسبب ارتباط و تناسبی که بین این دو معنی برقرار است - مجاز نامیده می‌شود.^۳

شیخ عبدالقاهر برای نخستین بار مجاز را به دو قسم تقسیم نموده است: مجاز لغوی و مجاز عقلی. او در این باب چنین گوید:

بدان که مجاز بر دو قسم است: مجاز بوسیله لفظ و لغت، و مجاز از طریق معنی و معقول... هنگامی که جمله یا کلامی را به مجاز بودن توصیف می‌کنیم مجاز ما مجاز عقلی خواهد بود. زیرا اوصاف جمله قابل برگرداندن به لغت و منسوب کردن به واضع آن نیست. و ترکیب و تألیف جمله اسناد فعلی به اسمی یا اسمی به اسمی دیگر است و این تنها با قصد و هدف گوینده کلام حاصل می‌شود. لذا در جمله «ضرب زید» نمی‌توان فعل «ضرب» را بلحاظ وضع، خبر برای (زید) بشمار آورد بلکه باید آن را به گوینده کلام که قصد اسناد این فعل را به «زید» کرده است مربوط دانست.

شیخ عبدالقاهر، برای مجاز عقلی از قرآن کریم آیه شریفه زیر و چند آیه دیگر را بعنوان شاهد آورده است: *تَوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا*^۴. او در تمام نمونه‌ها اسناد فعل به فاعل را بر سبیل حقیقت و بر حکم عقل غیرممکن دانسته است.

ز مخشری، جارالله در تفسیر قرآن بوسیله تأویل به مجاز سعی کرده است

۱. تلخیص البیان، شریف رضی ص ۱۶۱ و ۱۶۲

۲. کیهان اندیشه، شماره ۵ - سال ۱۳۶۵ پ

۳. اسرار البلاغة، ۳۰۴

۴. ابراهیم / ۲۵

مشکلات آیات را حل کند و شبهاتی را که در باب بعض آیات بظاهر متناقض طرح شده است پاسخ گوید. او شعاع مجاز را دورتر و گسترده‌تر از دیگران گرفته و آنچه با مسلک معتزله که خود از پیروان آنان بوده مناقض و معارض دیده بر مجاز حمل کرده است. زمخشری، در کتاب «اساس البلاغة» خود که از کتابهای مهم لغت محسوب است، یکی از ویژگیهای کار خود را در این کتاب جدا کردن معانی حقیقی و معانی مجازی کلمات از یکدیگر دانسته است و در این معنی چنین گوید: «و من خصائص هذه الكتاب... و منها تأسيس قوانين فصل الخطاب و الكلام الفصيح بافراد المجاز عن الحقيقة و الكناية و التصريح»^۱.

در پایان این بحث باید بگوئیم که تعیین دقیق حدود و فروق اصطلاحات بیانی مجاز و استعاره و تشبیه و کنایه بوسیله ادیب مشهور سکاکی^۲ در مفتاح العلوم صورت پذیرفت. بدین ترتیب معنی اصطلاحی مجاز و سایر مصطلحات علم بیان استقرار یافت. او به روش خاص خود که در طرح مباحث ادبی و بلاغی ترتیب و تبویب را با نظم و نسقی ممتاز همراه نموده به تفصیل از مجاز و حقیقت سخن رانده است.

منابعی که در تنظیم این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است:

- ۱ - الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی. بیروت، المكتبة الثقافية، ۱۹۷۳ م.
- ۲ - اسرار البلاغة، عبدالقاهر جرجانی، السید محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفة ۱۳۹۸ هـ
- ۳ - تاج العروس، محمد مرتضی الزبیدی، مصر، ۱۳۰۶ هـ ج ۱ و ۴.
- ۴ - تأویل مشکل القرآن، ابن قتیبه السید احمد صقر قاهره دارالتراث ۱۳۹۳ هـ
- ۵ - تلخیص البیان عن مجازات القرآن، الشریف الرضی، محمد عبدالغنی حسن، قم، بصیرتی، ۱۳۷۴ هـ
- ۶ - الحيوان، الجاحظ، عبدالسلام هارون، بیروت، دارا حياء التراث العربی ۱۹۶۸ م، ج ۱ و ۵.
- ۷ - دراسة و نقد فی مسائل بلاغية هامة دكتور محمد فاضلي مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.

۱. اساس البلاغة خطبة كتاب ص د

۲. (م ۶۲۶ هـ)

- ٨ - الصّحاح الجوهري احمد عبدالغفور عطار دارالكتاب العربي بمصر
- ٩ - العين خليل بن احمد ابراهيم السامرائي و مهدي الخزرمي قم مؤسسه دارالهجرة
١٤٠٥ هـ
- ١٠ - الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل جارالله زمخشري
- ١١ - اساس البلاغة
- ١٢ - كيهان انديشه، شماره پنج فروردين و ارديبهشت ١٣٦٥ هـ ش
- ١٣ - لسان العرب، محمد بن منظور بيروت دار صادر ج ٥
- ١٤ - مجازات القرآن ابو عبيده محمد بن مثنى محمد فؤاد نرگين بيروت مؤسسه
الرسالة ١٤٠١ هـ
- ١٥ - المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم محمد فؤاد عبد الباقي.
- ١٦ - مفتاح العلوم ابو يعقوب سكاكي نعيم زر زور بيروت دارالكتب العلمية ١٤٠٣ هـ
- ١٧ - المفردات في غريب القرآن الراغب الاصفهاني تهران دفتر نشر الكتاب ١٤٠٤ هـ
- ١٨ - مقاييس اللغة ابن فارس ابن زكريّا عبدالسلام محمد هارون قاهره ١٣٦٦ هـ
- ١٩ - وجوه قرآن ابوالفضل حبيش بن ابراهيم تفليسي دكتور مهدي محقق دانشگاه تهران
١٣٤٦ ش.
- ٢٠ - جلوه جمال دكتور محمد علوي مقدم تهران بنياد قرآن ١٣٦٤ ش.
- ٢١ - قضيّة الاعجاز القرآني عبدالعزيز عرفه عالم الكتب ١٤٠٥ هـ
- ٢٢ - تاريخ آداب العرب مصطفى صادق الرافعي بيروت دارالكتاب العربي ١٣٩٤ هـ